



شما آدم بافرهنگی هستید؟

واژه «فرهنگ» در زندگی و گفت‌وگوهای روزمره ما جایگاه ویژه‌ای دارد. مثلاً اینکه می‌گوییم: «فلانی خیلی آدم با فرهنگ است».

واژه «فرهنگ» در زندگی و گفت‌وگوهای روزمره ما جایگاه ویژه‌ای دارد. مثلاً اینکه می‌گوییم: «فلانی خیلی آدم با فرهنگ است». طبیعی هم هست؛ همه ما از همنشینی با آدم‌های با فرهنگ لذت می‌بریم و گاهی هم تحت تاثیر اصالت آنها قرار می‌گیریم. به هر حال فرهنگ ما تعیین‌کننده چگونگی تفکر و احساس ماست.

شورای فرهنگ عمومی ۱۴ آبان‌ماه را در تقویم سال ۱۳۸۷ به نام «روز فرهنگ عمومی» نامگذاری کرد. فرهنگ عمومی به معنای فرهنگ غالب جامعه است که میان عموم مردم رواج دارد و عقاید، ارزش‌ها، جلوه‌ها، احساس‌ها و هنجارهایی را شامل می‌شود که افراد بدون اجبار حکومت آنها را رعایت می‌کنند اما مورد توجه اقشار مختلف جامعه قرار می‌گیرند.

شاید امروز روز خوبی است برای اینکه از خودمان درباره مصادیق فرهنگ عمومی بپرسیم. اصلاً اینکه آیا ما واقعا آدم‌های با فرهنگی هستیم؟

یکی از سطوح فرهنگ عمومی، صرفاً ظاهری است که به چگونگی لباس پوشیدن ما، آیین ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کاری، مراسم مذهبی، سبک معماری شهری و سرگرمی‌های اوقات فراغت ما بازمی‌گردد اما بعد دیگر آن درونی و باطنی است که ما در این گزارش به همین بعد از فرهنگ عمومی خواهیم پرداخت و اینکه «بافرنگ‌ها» چه خصلت‌هایی را درون خود پرورش می‌دهند؟

مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری

مسئولیت‌پذیر بودن یعنی پاسخگو بودن در برابر خودمان یا دیگران. مسئولیت‌پذیری یعنی تعهد درونی افراد برای انجام فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است. یک انسان بافرهنگ مسئولیت کارها و پاسخگویی در برابر آنها را به عهده می‌گیرد. در صورتی که در کار خود اشتباه کند در اصلاح آن می‌کوشد. به طور کلی مسئولیت‌پذیر بودن افراد، یکی از ویژگی‌های مثبت جامعه محسوب می‌شود.

هر شهروندی که نسبت به شهر خود احساس مسئولیت کند در واقع به حقوق خود و دیگران احترام می‌گذارد و دیگران او را فردی قابل اعتماد می‌دانند.

احترام به حقوق دیگران

فردی که به شخصی یا چیزی احترام می‌گذارد، در واقع برای آن شخص یا آن چیز، اندازه‌ها، ارزش قائل می‌شود. رعایت ادب و مراعات حقوق دیگران از جمله مواردی است که به راحتی می‌تواند قدرت فردی انسان را افزایش دهد. زمانی که ما به عقاید، کارها و سلیقه افراد در حد و محدوده خودشان احترام بگذاریم، دیگران هم به حقوق ما احترام می‌گذارند اما اگر حقوق آنها را نادیده بگیریم، نباید انتظار برخورد مناسبی هم از سوی آنها داشته باشیم. بافرهنگ‌ها برای برای حقوق خودشان، بزرگ‌ترها، کوچک‌ترها، جنس مخالف و سایر اقشار جامعه احترام قائل هستند.

وقت‌شناسی

بدیهی است که بافرهنگ‌ها، آدم‌های وقت‌شناسی هستند. آنها علاوه بر اینکه برای همه دیدارها و قرارهای دوستانه‌شان در زمان مناسب حاضر می‌شوند، توانایی تمام‌وقت کردن کار یا انجام وظیفه‌شان را در زمان تعیین‌شده دارند. بافرهنگ‌ها حتی اگر قرار باشد فقط ۵ دقیقه دیرتر از زمان تعیین‌شده به محل قرارشان برسند، حتماً این موضوع را اطلاع می‌دهند.

میهمان‌دوستی و میهمان‌نوازی یکی از صفات برتر انسانی است و می‌توان‌گفت این موضوع همیشه یکی از نمادهای فرهنگ و تمدن ما ایرانی‌ها بوده است. آدم‌های بافرهنگ، رسم میهمان‌نوازی را به بهترین شکل ممکن به جای می‌آورند.

صلح‌جویی

صلح در لغت به معنی آشتی است و یک انسان بافرهنگ به شدت صلح‌جو است. با فرهنگ‌های صلح‌جو به دنبال شرایطی آرام، بی‌دغدغه و خالی از تشویش، بدون کشمکش و ستیز هستند. صلح یک آرمان جهانی تلقی می‌شود و افرادی هستند که به شدت به این موضوع پایبندند.

انعطاف‌پذیری

انعطاف‌پذیری یعنی توانایی سازگار بودن افکار و رفتار با تغییرات محیط. افراد انعطاف‌پذیر، نرم‌خو هستند و وقتی در موقعیت‌های سخت حضور می‌یابند، بدون آنکه بشکنند با شرایط کنار می‌آیند. انعطاف‌پذیر بودن برای یک زندگی سالم خانوادگی و اجتماعی بسیار حیاتی است.

اما دکتر سمیرا وکیل‌ها (جامعه‌شناس) در پاسخ به این پرسش که یک آدم بافرهنگ چه ویژگی‌هایی دارد، پاسخ می‌دهد: «ایک آدم بافرهنگ روال زندگی روزمره‌ای را که همه مردم این مرز و بوم می‌پسندند و تایید می‌کنند، رعایت می‌کند. آدمی که در فرهنگ عمومی با شهروندان مشترک هست، معمولا افکار و ایده‌های عمومی‌اش هم با اکثریت مردم سازگار است. چنین انسانی به آداب و رسوم همه‌پسند احساس تعلق دارد. همچنین یک انسان بافرهنگ در جامعه ما برخی پارامترهای اخلاقی یعنی قواعد درست و غلط که به عنوان ارزش اخلاقی پذیرفته شده‌اند و خیلی برای مردم بار ارزشی پیدا کرده‌اند را یدک می‌کشد؛ مثل احترام به حقوق دیگران یا ایجاد امنیت برای شهروندان. همچنین عدم بروز رفتارهای خشونت‌بار مثلا در مترو و اتوبوس، رعایت بهداشت فردی، آهسته صحبت کردن در مکان‌های عمومی و ... از مصادیقی هستند که توسط این افراد رعایت می‌شود.»

او همچنین می‌گوید: «در واقع فرهنگ عمومی اشتراکات در تفکرات و باورهای هنجارمند و ارزشی را شامل می‌شود اما شاید به دلیل ضعف‌های اخلاقی دیده‌شده، مردم ترجیح می‌دهند اخلاقیات را ضمیمه آداب و رسوم کنند تا به نحوی از اشاعه آن اطمینان حاصل کنند. در حالی که ارزش‌های اخلاقی فقط با عمل، ادراک‌شده و در نهایت در یک ملت تبدیل به عادت می‌شود.»